



هیئت عمومی پاك آریائی هندی - تخت جمشید

پرتال جامع علوم انسانی

جلیل ضیا، پور  
رئیس موزه مردم شناسی

# آریاها و چگونه مهاجرت آنها بفرات ایران

برخی از محققان، اقامتگاه اصلی آریاها را، اروپا و جمعی، آسیا و در شمال سبیری میدانستند

هر مردم

باستانشناسان و زمین‌شناسان (که یافته‌ها و دریافتهای آنان معتبرترین زمینه برای شناسایی مردم هر سامان است) صالحترین کسانی هستند که درباره‌ی چگونگی اوضاع، سخن مناسبتر و درست‌تر میتوانند ایراد کرد. از اینرو، برای آشنائی به وضع آریاها، از نظریات ایشان کمک می‌گیریم.

اکثر محققان، مهاجران آریائی را « هند و اروپائی » مینامند. ولی هنری فیلد Henry Field در کتاب خود « مردم شناسی ایران » تحت عنوان « فهرست قبایل و گروه‌های ژادری » نوشته است: کلمه‌ی آریان بطور دقیق فقط قابل اطلاق به گروه هند و ایرانی است « نه هند و اروپائی ».

درباره‌ی آریاها، اصل مرافعه ابتدا بر سر نقطه‌ی اصلی مهاجرت این قوم بوده است. برخی، اقامتگاه اصلی آریاها را در اروپا میدانستند و جمعی در آسیا (شمال سبیری) میگفتند.

نمونه‌ی يك چهره‌ی هند و آریائی - بلخی - تخت جمشید





هیئت عمومی قوم آریائی معروف (به مادی) - تخت جمشید

اینک ، اکثر محققان ، بنا بر دلایلی ، قطعی مهاجرت را همان شمال سبیری میدانند ،  
 و اروپا را بکلی کنار نهاده‌اند .

هنری فیلد و سایکس Sykes هر دو بنقل از محققان ، موطن اصلی آریاها را بیابانهای  
 وسیع شمال خراسان و دشتهای جنوب روسیه ذکر میکنند .

و در کتاب «تاریخ ملل قدیم آسیای غربی» تحت عنوان «منشأ اقوام هند و اروپائی»  
 آورده شده : که وجود لهجه‌های هند و اروپائی در باره‌ای از نقاط ترکستان چین (که تا قرون  
 نهم و دهم میلادی برقرار بوده) عددهای را معتقد کرده است : که مرکز اقوام هند و اروپائی  
 در ترکستان چین یا ترکستان روس بوده است .

و لهجه‌های «تخاری» در «تورفان ، و قره شهر ، و کوچا» و لهجه‌ی ایرانی شرقی  
 در «کاشغر و ختن» مخصوص بقایای این اقوام است (که در سرزمین اصلی خویش باقی مانده‌اند) .  
 این نظر ، با زمینهای دیگری که در دست است ، برای قبول اینکه : زادگاه و مقر اصلی  
 آریاها ، آسیا بوده است شبیه‌ای باقی نمی‌گذارد .

ولی در این موضوع ؛ که مهاجران ، از راه آسیای میانه یا قفقاز ، مناطق هند و ایران را  
 اشغال کرده‌اند ، هر یک نظری داده‌اند .

ریچارد ن . فرای Richard N. Frye نوشته است :

چنین مینماید که آریاها به سرزمین بین‌النهرین از راه کوهستانهای شرقی آمده باشند .  
 فقط روشن نیست که ایشان از کدام سوی شمال فلات ایران وارد آنجا شده‌اند (از راه قفقاز یا  
 آسیای میانه ، یا هر دو) ولی محتمل است که از راه آسیای میانه آمده باشند (میراث باستانی  
 ایران مشحون ۳۷) .

در باره‌ی علت و چگونگی مهاجرت آریاها ، در تاریخ ملل قدیم آسیای غربی ، بنقل  
 از محققان آمده است :



نمونه‌ی يك چهره‌ی آریائی از قوم پارس - تخت جمشید

که در اواخر عهد چهارم، سبیری از اروپا جدا بود. وسیله‌ی این جدائی، وجود دریاچه‌ی بزرگ آرال و خزر، و بقایای یخچالهای روس و اسکاندیناوی، و همچنین یخچالهای ایران و آلتائی بود. *جامع علوم اسلامی*  
 بمحض اینکه خشکی باطلاقیهای آرال - خزر، و ذوب یخچالهای اورال و هندوکش شروع شد، و هوای سبیری رو بسردی نهاد، این اقوام بمهاجرت پرداختند، و دسته دسته به جانب روسیه و مغرب، و یا بطرف ایران حرکت کردند.

سرپرسی سایکس، در این باره نظری جامع و آگاهی بیشتری، تحت عنوان «سرزمین اصلی آریان‌ها» داده و نوشته است:

از مسائلی که زمینه‌ی اختلاف عظیم است، جای طوایف آریان است (که از کجا و از چه نقطه‌ای خارج شده‌اند).

و اضافه کرده است:

بدیهی است که قرائن و دلایلی طبیعی برای کشف این حقیقت وجود دارد. این قوم،

بیقین درزمینی ساکن بوده‌اند که آب و هوای بری داشته است، وچنانکه پیداست، دو یا سه فصل را بیشتر ندیده بوده و نداشته‌اند.

ازلغت ایشان پیداست: که ساکن زمینهای جلگه‌ای بوده، و کوه و جنگل نداشته‌اند. این قوم، روایاتی دارند، که علت مهاجرت ایشان را روشن میکند، و میگویند: عامل شر، محل آنان را یخبندان و غیرقابل سکونت کرده است (شاید، معنی این حرف این باشد: که بواسطه‌ی تغییر آب و هوا مجبور به تغییر مکان شده‌اند).

درداستانهای ویژه‌ی خود (وندیداد) به يك منزل از دست داده (ایران و راج) اشاره کرده‌اند.

و چون بعنت سرما مجبور بمهاجرت از آنجا شده‌اند، به «سوغده» و «مورو» رفته‌اند (که اینک، اولی «بخارا» و دومی «مرو» خوانده میشود).

سپس، بواسطه‌ی ملخ، و دشمنان، مجبور شده‌اند سوغده را ترك کنند و به «باخدی» کشور بلندرایت بروند (باخدی، بعدها بلخ نامیده شد).

واز بلخ به «نیسایه» و از آنجا به «هرای» و «هرات» و «وای کسرت» (کابل) رفتند (و این زمین اخیراً بدسایه وصف کرده‌اند).

هنری فیلد بنقل از «ویلسون» Arnold Wilson نوشته است: که در حدود دوهزار سال پیش از میلاد، بادیه‌نشینهای آریائی‌زبان شمالی (در شرق روسیه) ساکنین اصلی و بومی فلات ایران را در خود مستهلك کردند.

و بنقل از «هرتفیلد» Herzfeld نوشته است: که اولین گروه آریائی (که مهاجرت کردند) هند و آریائی، و سپس ایرانیان، و پس از آنها، سکاها بودند (که پس از دوره‌ی کوتاهی)، از راه ارتفاعات نزدیک «سرخس» درست هرات، وارد فلات ایران شدند.

و بنقل از «ویلیام وورل» William Worrel نوشته است: که جمله آریان‌ها از شمال شرقی، و بعنت خشکسالی و ازدیاد جمعیت بود، و از ایران به بین‌النهرین رفتند. و این امر، کمی بعد از سال دوهزار پیش از میلاد صورت گرفت. و پس از آنکه زمانی در ترکستان و ایران مستقر شدند، شاخه‌ای (که آریان نامیده میشود) به دو گروه تقسیم شدند: یک گروه در ایران ماندند، و گروه دیگر (هندها) به هند رفتند و با «دراویدیها» مخلوط شدند.

تقریباً در همان زمان، رؤسای آریائی «میتانی» در ارمنستان استقرار یافتند، و در اواسط قرن هجدهم پیش از میلاد، بسلسله‌ی آریائی «کاسی» بابل را تصرف کردند.

هنری فیلد، درباره‌ی زمان جدائی هند و ایرانی نوشته است: که تا سال یکهزار و سیصد و پنجاه پیش از میلاد هنوز عناصر آریائی و هندی قوم آریان، از هم جدا نشده بودند (مردم‌شناسی ایران، صفحه‌ی ۷۱۵).

گیرشمن Ghirshman نوشته است: واقعه‌ای که در تاریخ آسیای غربی (طی هزاره‌ی دوم پیش از میلاد) مهم مینماید، ظهور عناصری از اصل هند و اروپائی است که زادگاه خود را (به اغلب احتمال - دشتهای اوراسی - Eurasiq - که در روسیه‌ی جنوبی است) بر اثر فشار اقوام دیگر، ترك کردند، و در طی مهاجرت، ظاهراً به دودسته‌ی بزرگ تقسیم شدند: دسته‌ی غربی و شرقی.

دسته‌ای که آنرا غربی مینامیم، دریای سیاه را دور زدند، و پس از عبور از بالکان و سفر، در داخل آسیای صغیر نفوذ کردند، و بزودی عنصر غالب و مسلط را تشکیل دادند، و اتحادیه‌ی «ختی‌ها یا هتی‌ها» Hittites را بوجود آوردند. دسته‌ی شرقی (که بنام هند و ایرانی معروف است) دو قسمت شدند: يك قسمت آن بسوی

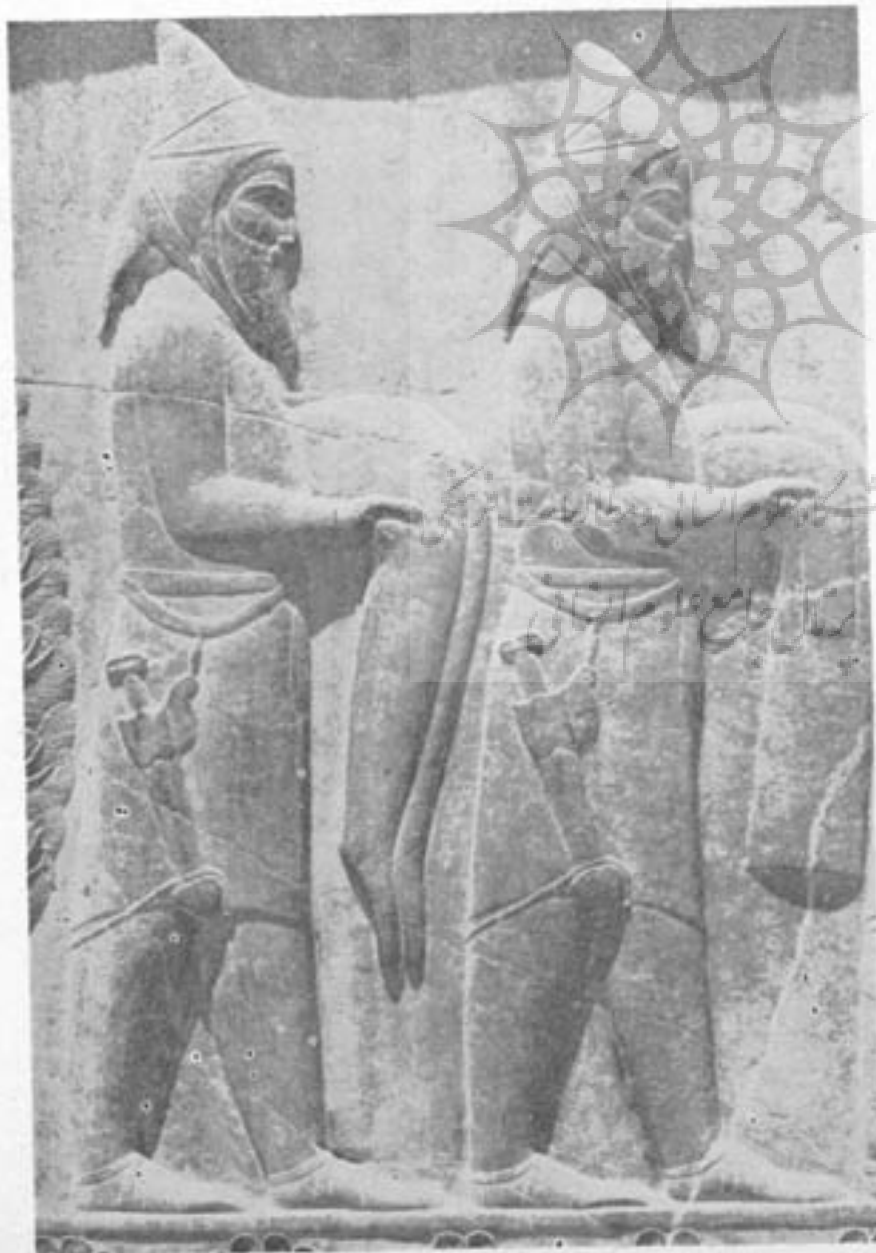
شرق دریای خزر حرکت کردند ، و قسمت دیگر ، سوی غرب خزر برآه افتادند .  
 بخش عمده‌ی آن قسمت که مشرق دریای خزر را پیش گرفتند ، تدریجاً از ماوراءالنهر  
 و جیحون (آمودریای کنونی) عبور کردند و پس از توقف کوتاهی در دشت بلخ ، از معا برهندوکش  
 بالا رفتند ، و جاده‌ی باستانی مهاجمان را به سوی هند تعقیب نمودند ، و در طول «پندی‌شیر»  
 Pandi-shir و رودهای کابل فرود آمدند .

قسمت دیگر شعبه‌ی شرقی (که راه مغرب دریای خزر را پیش گرفتند) از قفقاز عبور  
 نمودند ، و تا انحنای عظیم شط فرات سرازیر شدند .

اینجده (که ظاهراً بیشترشان از افراد جنگجو بودند) با «هوریان» بومی مخلوط شدند ،  
 و پادشاهی «میتانی» را تشکیل دادند ، و سلطنت خود را نه تنها در بین‌النهرین شمالی توسعه دادند ،  
 بلکه آشور را محدود کردند ، و با الحاق دره‌های زاگروس شمالی (مسکن قوم گوتی) به قسمت  
 خود ، قدرت خود را تثبیت کردند .

بهترین دوران پادشاهی این قوم ، در حدود یک هزار و چهارصد و پنجاه پیش از میلاد بود .

از همین سواران جنگجو ، دسته‌ای در طول چین خوردگیهای مرکزی کوهستانهای  
 زاگروس سوی جنوب شرقی بحرکت درآمدند و با ممالک «اورارتو ، بین‌النهرین ، و ایلام»  
 برخوردند . مردم این ممالک ، از قرنها (یا هزاران سال) پیش بر اثر زندگی خانه‌نشینی ، فرهنگی  
 وسیع داشتند .



نمونه هیئت عبومی و چهره‌ی  
 سکاکی معروف به سگهای تیزخود  
 از اقوام شمالی - تخت جمشید



هیئت عمومی سوغدی‌ها

ایرانیان، طی چهارقرن بعد، قوم بومی اصلی را مستهک کردند، و تمدن مخصوص خود را بر روی تمدن مزبور (فرهنگ همسایه) بنا نهادند.

گیرشمن نوشته است: نفوذ ایرانیان در فلات، در آغاز هزاره اول پیش از میلاد، بوضعی جز مهاجمی نخستین بار (در هزاره سال پیش) بود: مهاجمان، بزور و با امواج متوالی وارد شدند، و ظاهراً همان دو جاده‌ی قبلی را (که در نخستین مهاجمه طی کرده بودند «قفقاز و ماوراءالنهر») این بار نیز طی کردند.

شعبه‌ی شرقی ایرانیان، این بار (مهاجمه‌ی اخیر) نمیتوانستند از ماوراءالنهر بسوی جنوب هندوکش گسترده شوند. زیرا همه‌ی نواحی «درخج و پنجاب» قبلاً بوسیله‌ی هندوایرانی قبلی (هندوان آینده) در مهاجمه‌های پیشین اشغال شده بود. ازینرو مجبور بودند بسوی مغرب (فلات ایران) و در طول جاده‌ی طبیعی (که از بلخ به سوی قلب ایران پیش میرفت) حرکت کنند.

در باره‌ی ورود آخرین دسته‌های ایرانی (مادها) یرسی‌سایکس بنقل از نظر محققان نوشته است: «بمقتضای این است که قوم «ماد» از جنوب روسیه مهاجرت کردند و بقسمت غربی فلات ایران دست بردند.

شعبه‌ی دیگر آخرین دسته‌های ایرانی (پارس‌ها) از بیابانهای شمالی خراسان وارد مشرق ایران شده‌اند، و از ناحیه‌ی کرمان گذشته فارس را مسکن خود قرار دادند. به دنبال پارس‌ها، کارمانیان آمدند و در کرمان سکونت کردند. در اتریش (یا، در انگلیان یا زرانگیان) و آراخوزیان در جنوب افغانستان ماندند. گدروزیان، در شمال بلوچستان اقامت کردند.

هیرکانیان، در پشت سر این دسته‌ها ناحیه‌ی استرآباد (گرگان کنونی) را برای سکونت اختیار کردند.

بمقتضای دیمورگان، هجوم آریاها به «باکتریا» دوهزار و پانصد سال پیش از میلاد اتفاق افتاده است، و قوم ماد، در حدود دو هزار سال پیش از میلاد، به شمال غربی ایران رو نهاده‌اند.